

نقل و انتقال وسایل نقلیه موتوری و مرجع آن

مصطفی امرایی^۱، محمدرضا کونانی^۲، علی احمدپور^۳

۱- کارشناس ارشد حقوق خصوصی (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

۳- کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

طبق ماده‌ی ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۱، یکی از مسئولیت‌های ادارات راهنمایی و رانندگی و مراکز تعویض پلاک، صرفاً بررسی اصالت وسیله نقلیه، هویت مالک، اخذ جریمه‌ها و دیون که در صدر ماده‌ی ۲۹ قانون موصوف به آن اشاره شده است و در ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۸ هیئت وزیران نیز که مجوز صدور شناسنامه مالکیت پلاک، بیان شده بود اما نقل و انتقال خودرو به موجب سند رسمی انجام می‌شود، از این رو، دارندگان وسایل نقلیه مکلفاند قبل از هرگونه نقل و انتقال وسایل مذکور در دفاتر اسناد رسمی، ابتدا به ادارات راهنمایی و رانندگی یا مراکز تعیین شده از سوی راهنمایی و رانندگی برای بررسی اصالت وسیله نقلیه، هویت مالک، پرداخت جریمه‌ها و دیون معوق و تعویض پلاک به نام مالک جدید مراجعه نمایند که این امر نیز بر اساس آخرین بخشنامه صادره به شماره ۱۰۰/۶۹۰۰/۹۰۰۰ مورخ ۹۵/۱۲/۲۱ از سوی رئیس دستگاه قضا هم اعلام گردید که خاتمه دهنده‌ی مناقشات موجود بین دفاتر اسناد و نیروی انتظامی، است با این بیان که: هرگونه نقل و انتقال وسایل نقلیه موتوری بر عهده‌ی دفاتر اسناد رسمی گذاشته شد چرا که آنچه که از یافته‌ها و نتایج این تحقیق به دست آمد این بود قوانین مربوط به تخلفات رانندگی در شمار قوانین امری قرار می‌گیرد که هدف از وضع آن، حفظ منافع عمومی و در نتیجه تراضی اشخاص برخلاف مقررات وضع‌شده، از نظر قانون‌گذار، مردود می‌باشد. از این رو نگارنده در تحقیق پیش رو، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با مطالعه‌ی روش کتابخانه‌ای سعی دارد به تبیین و تحلیل ضرورت فرایند انتقال مالکیت وسایل نقلیه موتوری و مرجع حاکم آن بپردازد.

واژگان کلیدی: تعهدات، حقوق بین‌الملل، آموزه‌های دینی

مقدمه

ثبت عقود و قراردادهای و اعمال حقوقی از قدیم‌الایام رواج داشته است سابقه‌ی تنظیم سند در ایران به عهد باستان بر می‌گردد و در کتاب مقدس کلیمیان آمده است که ایرانیان در دادگاه‌ها به ادله متوسل می‌شده‌اند، با ظهور اسلام و جای و ساری شدن احکام مترقی آن که اکثراً در کتاب آسمانی آن بیان شده است. در آیات ۲۸۲ تا ۲۸۴ از سوره مبارکه بقره به استفاده از سند در روابط حقوقی مردم اشاره شده و مباحث بسیار گسترده‌ای را در خصوص سند مطرح کرده است. خودبه‌خود ایرانیان نیز با توجه به علاقه‌شان به اسلام و گرایش سریع آن‌ها به دین مبین اسلام از این منبع وحی تأثیر پذیرفته و آیات و احکام آن را به مرحله اجرا درآورده و اغلب معاملات و روابط حقوقی خود را با تنظیم نوشته‌ای مسجل و مستحکم می‌نمودند و در موقع روز اختلاف یا تردید یکی از طرفین، آن نوشته به عنوان مدرک و دلیل اثبات صحت ادعایی که از آن‌ها به کار گرفته می‌شد. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷، موضوع سند وضعیت دوگانه و متناقضی یافته است. زیرا از یک سو، سند به عنوان رایج‌ترین دلیل اثبات دعاوی جایگاهی رو به رشد یافته و از سوی دیگر، ارزش اثبات‌کنندگی سند با مداخله مقنن در مواردی رو به کاهش و نزول گذاشته است. از نظر ارزش اثباتی سند، مباحث علمی زیادی پدید آمده است. تحولات به وجود آمده در فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز عامل دیگری است که جایگاه سند را در نظام حقوقی ایران تحت تأثیر قرار داده است. زیرا جامعه‌ی بشری به وضعیتی رسیده که مفاهیم و مقالات تنها به صورت مکتوب ارائه نمی‌شوند بلکه ماهیتی چندرسانه‌ای پیدا کرده‌اند و حجم عظیمی از اطلاعات و مطالب بر روی محمول‌های فیزیکی کم حجم مانند دیسکت‌ها، سی‌دی‌ها و سایر حافظه‌های الکترونیکی، قابل ثبت و ضبط می‌باشند. کشور ما نیز از این وضعیت بی‌تأثیر نبوده و امروزه بخش عمده‌ی مبادلات بر روی فاکس و اینترنت و اطلاعات رایانه‌ای انجام می‌شود. اما حقوق در پذیرش این مدارک به عنوان سند تردید دارد و هر گاه که رویه قضایی در برابر ایراد نسبت به اصالت و اعتبار سند الکترونیکی قرار گیرد درباره‌ی ترجیح نیازها بر سنت‌ها دچار سرگردانی شده و به دودلی می‌افتد. قراردادهای مهم و مستمر، هنوز هم به صورت کتبی درمی‌آید و به امضای دو طرف می‌رسد و ابزارهای تازه نتوانسته وسایل قدیمی را از میدان به در کند.

۱- مفهوم مالکیت

۱-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی

مالکیت به معنای مالک بودن حقی است که انسان نسبت به شیئی دارد و پدیده‌ی هوایی‌اند هرگونه تصرفی در آن بکند به جز آن چه که مورد استثنای قانون قرار گرفته است (عمید، ۱۳۶۰: ۲۶۲). در اصطلاح مالکیت عبارت است از حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت، مگر آنکه قانون استثناء کرده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۹۹).

۱-۲- تعریف فقهی

تعاریف زیادی برای مالکیت در متون فقهی و غیر فقهی آمده است که با توجه به آن‌ها می‌توان چنین گفت: «مالکیت رابطه‌ای است اعتباری بین مال از یک طرف و بین شخص (حقیقی یا حقوقی) از طرف دیگر که بر اساس آن مالک پدیده‌ی هوایی‌اند هر تصرف معقولی را که مایل باشد در آن انجام دهد. در حقیقت مالکیت فقط یک اعتبار عقلایی است. عقلاً چیزی را که در دست کسی قرار دارد (متعلق به اوست) علقه‌ای بین او و چیزی که در اختیار وی می‌باشد این رابطه، منشأ تسلط وی بر آن چیز است و یا اینکه آنچه را که اعتبار می‌کنند عبارت است از همان تسلط» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ۵۳).

ملکیت مفهومی روشن است، اما برای آنکه بتوان این مفهوم را پایه و اساس دیگر مباحث قرار داد، می‌بایست تعریفی از آن ارائه داد. همان‌گونه که برخی از لغویین «ملک» و «مالکیت» را به آثار آن معنا

کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱۳، ۴۳) همچنين شيخ انصاری (ره) ملکیت را نسبتی میان مالک و مملوک قرار داده است (انصاری، ۱۳۸۲، ج ۴، ۷۹) که از یک حکم تکلیفی انتزاع می‌شود، اما در جای دیگر از ملکیت به سلطنت فعلیه یاد کرده است. (همان، ۳۶۸)

۱-۳- تعریف حقوقی

مالکیت مهم‌ترین حق عینی است و عبارت از رابطه‌ای است بین شخص و شی که به وی حق همه گونه تصرف و انتفاع را می‌دهد. مالکیت حقی است مطلق و انحصاری؛ زیرا به صاحب آن اجازه می‌دهد هر گونه تصرفی در مال خود بکند و هر نوع بهره‌ای از آن ببرد، مگر آنچه به موجب قانون استثناء شده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۰۵-۱۰۸). این قاعده در فقه قاعده تسلیط نام دارد (صفایی، ۱۳۷۹، ۶۸).

۱-۴- جایگاه مالکیت در فقه امامیه

برخی از فقها تصریح کرده‌اند که لفظ مالکیت دارای حقیقت شرعیه نیست، بنابراین برای شناخت مفهوم مالکیت نیازی به مراجعه به متون شرعی نیست.

نراقی در این باره می‌فرماید: معنای مالکیت و مالیت و ملک و مال، معنایی عرفی و لغوی است که شناخت آن منوط به بیان شرع و یا دلیل شرعی نیست بلکه در این زمینه همانند سایر الفاظ که فاقد حقیقت شرعیه است باید به عرف و لغت مراجعه کرد. (نراقی، ۱۳۱۷:۱۱۳) همین فقیه در کتاب دیگرش می‌نویسد «و المرجع فی کون الشیء ملكا و مالا الی العرف حیث انه لا دلیل شرعی علی بیانها» (نراقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۳۷۱).

دقت در کلام سایر فقهای که به تعریف مالکیت پرداخته‌اند نشان می‌دهد که اگرچه آنان به این مطلب تصریح نکرده‌اند اما به طور ضمنی به آن اذعان و اعتراف داشته‌اند و به همین دلیل در تعریف مالکیت به جای استناد به ادله شرعی، به ارتکاز عرف و عقلا و نیز برداشت عمومی مردم از مفهوم آن بسنده کرده‌اند. بنابراین مالکیت مفهوم عرفی است و شارع مقدس نیز با توجه به همان معنا و مفهوم عرفی، احکام و آثاری را بر آن مترتب کرده است و لذا برای شناخت ماهیت آن باید به عرف مراجعه کرد.

۲- مفهوم سند

۲-۱- تعریف لغوی و حقوقی سند

سند در لغت به معنای آنچه بدان اعتماد کنند آمده است و به صورت نوشته یا گفته یا حتی پیکره‌ای سنگی، شی سفالی، سکه‌ای فلزی، لباس یا ... باشد. حقوقدانان نیز از این معنای لغوی دور نشده و سند را هر تکیه‌گاه و راهنمای مورد اعتماد دانسته‌اند (امامی، ۱۳۷۱، ج ۶، ۶۵). که بتواند اعتقاد دیگران را به درستی ادعا جلب کند؛ خواه نوشته باشد یا گفته و اماره و قرار (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۷۵). در بیان مفهوم سند حقوقدانان برای آن سه معنا ذکر کرده‌اند:

۲-۲- مفهوم سند در معنای عام و خاص

سند در مفهوم عام، به معنای هر تکیه‌گاه مورد اعتماد است. بنابراین وقتی گفته می‌شود: فلان حدیث دارای سند معتبر است یا فلان سند تاریخی درباره‌ی رویدادی ارائه شده است، مفهوم عام سند مورد نظر می‌باشد.

در مفهوم خاص، سند هر نوشته‌ای است که قابل استناد باشد. از جمله: اعلام کتبی اشخاص یا تصدیق‌نامه، نظر کارشناس، صورت‌جلسه تحقیق محلی، متن قوانین و آئین‌نامه‌ها و ... در این مفهوم، سند معادل معنای «دلیل» را دارد (مدنی، ۱۳۷۶: ۸۰ و ۲۷۵).

۲-۳- مفهوم اخص و اصطلاحی سند

در معنی اخص یا اصطلاح حقوقی، سند عبارت است از «هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع، قابل استناد باشد» و این همان چیزی است که در بند ۲ ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی تحت عنوان «اسناد کتبی»، جزء دلایل اثبات دعوا و مهم‌ترین دلیل اثباتی احصا شده و با قید «کتبی بودن»، از مفهوم عام سند جدا گردیده است. بنابراین «نوشته‌ای که به منظور تحقق بخشیدن اثبات واقعه‌ی حقوقی تنظیم می‌شود، در اصطلاح حقوقی سند نامیده می‌شود (حسینقلی نژاد، ۱۳۷۴، ۶۳).

۲-۴- انواع سند

در این قسمت به انواع سند؛ یعنی از لحاظ عادی و رسمی بودن آن به ترتیب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۴-۱- سند عادی

تعریف سند عادی مستنبط از ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی در بیان مصادیقی سند رسمی و مبتنی بر مفهوم مخالف آن، «سند عادی نوشته‌ای است که توسط اشخاص تنظیم می‌شود بدون اینکه مأمورین رسمی دخالتی در تنظیم آن داشته باشند. در این راستا ماده ۱۲۹۳ همان قانون مقرر می‌دارد: «هر گاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی مهمی تنظیم اسناد تهیه شده، لکن مأمور، صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد، سند مزبور در صورتی که دارای امضا یا هر طرف باشد، عادی است. کافی است که سندی فاقد یکی از ارکان سند رسمی باشد، در این صورت فقط به شرط داشتن مهر یا امضا، سند عادی خواهد بود اما به صراحت ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی: «امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاکننده، دلیل است؟ بنابراین سندی که به وسیله افراد تنظیم می‌شود مانند نام‌های خصوصی، دفاتر تجاری، اسنادی که معمولاً بین افراد در معاملات تنظیم می‌گردد و سندی که نزد مأمورین رسمی خارج از حدود صلاحیت خود تنظیم می‌نماید مانند سند معامله که پلیس تنظیم کند و سندی که مأمور رسمی بدون رعایت مقررات مربوطه تنظیم نماید. مانند آنکه سند رسمی تنظیمی در دفتر اسناد رسمی در دفتر اسناد رسمی در دفتر نماینده ثبت نشود همگی جز اسناد عادی هستند (امامی، ۱۳۷۱، ج ۶، ۱۶۶).

۲-۴-۲- سند رسمی

در قانون مدنی و قانون ثبت اسناد و املاک، تعریفی صریح و روشن از سند رسمی نشده بلکه در ماده‌ی ۱۲۸۷ قانون مدنی، مصادیق سند رسمی احصاء شده و قانون‌گذار، هر سندی که جزء یکی از این موارد باشد را به عنوان سند رسمی مورد پذیرش دانسته است. این موارد عبارت‌اند از:

- اسنادی که در اداره‌ی ثبت اسناد و املاک تنظیم شده باشند.
- اسنادی که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شده باشند.
- اسنادی که نزد سایر مأمورین رسمی تنظیم شده باشند.

البته رسمی بودن این اسناد مشروط به رعایت دو شرط زیر می‌باشد:

۱. مأمور تنظیم کننده، صلاحیت تنظیم آن را داشته و در حدود صلاحیت و اختیارات قانونی خود اقدام به تنظیم آن سند نموده باشد.
۲. مقررات مربوط به تنظیم سند توسط مأمور تنظیم کننده آن رعایت شده باشد.

با عنایت به مراتب، در تعریف اصطلاحی سند رسمی گفته شده: نوشته‌ای است که به وسیله یکی از مأمورین دولتی در حدود صلاحیت آن‌ها طبق مقررات مربوطه تنظیم شود (امامی، ۱۳۷۱: ۶۷). ثبت سند است که به حق، جنبه‌ی رسمی می‌دهد و تنظیم سند بدون ثبت آن در نزد یکی از مراجع مذکور به تنهایی

کافی برای رسمی تلقی شدن سند نمی‌باشد فلذا پس از تنظیم سند باید به ثبت برسد. ماده‌ی ۱۶ آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی مقرر می‌دارد: هیچ سندی را نمی‌توان تنظیم و در دفتر اسناد رسمی ثبت نمود مگر آنکه موافق با مقررات قانون باشد. به موجب این «تنظیم سند مقدمه ثبت آن است و ثبت سند در دفتر رسمی که از طرف سازمان ثبت چاپ شده است انجام می‌شود» (حمیتی واقف، ۱۳۸۴: ۱۱۷). سند رسمی با تعریفی که به موجب قانون مدنی در این خصوص شده است، از نظر حقوق ثبت و مقررات ثبتی متفاوت می‌باشد. به موجب مقررات ثبتی، سند رسمی فقط اسنادی را شامل می‌شود که با رعایت مقررات قانونی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم و ثبت شده باشند. بر این اساس بین تعاریف ارائه شده رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، به این معنی که تعریف قانون مدنی از اسناد رسمی اعم از تعریفی است که در مقررات ثبتی از آن استنباط می‌شود و هر سندی که از نظر قانون ثبت، رسمی می‌باشد از نظر قانون مدنی نیز رسمی خواهد بود (ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی). اما ممکن است سندی از نظر قانون مدنی رسمی باشد ولی از نظر قانون ثبت، رسمی نباشد، مانند: شناسنامه تنظیمی توسط مأمور ثبت احوال یا گواهینامه رانندگی یا احکام دادگاه‌ها...

۲-۴-۳- انواع سند رسمی از حیث ماهیت

با توجه به این که وجه مشترک رسمی تلقی شدن سند، تنظیم آن توسط مأمور رسمی در حیطه صلاحیت خود با رعایت تشریفات و مقررات قانونی مربوط است، بر این اساس اسناد رسمی را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند (امامی، ۱۳۸۴: ۲۹۰-۲۹۱) که عبارت‌اند از:

- ۱) **اسناد قانونی:** مانند قوانین و صورت جلسات مصوبات جلسه عمومی مجلس شورای اسلامی و کمیسیون‌های تخصصی آن، فرمان‌ها و تصمیمات شورای نگهبان قانون اساسی.
- ۲) **اسناد اداری:** مانند دستورهای صادره از ادارات لشکری و کشوری، قراردادهای تنظیم شده به شکل اداری به وسیله شهرداری‌ها و شورای شهر، پروانه‌های صنفی و ساختمانی و نظارتی، اسناد درج شده در صندوق‌ها و دفاتر ثبت عمومی و اسناد مربوط به ثبت احوال شخصی.
- ۳) **اسناد قضایی:** مانند احکام و قرارهای دادگاه‌ها، صورت مجلس‌ها و گزارش‌های اصلاحی، معاینه محلی و تحقیق محلی بازپرسان و مدیران دفاتر، سایر برگ‌های تصدیق و تنظیم شده در مقام دادرسی و تأمین دلیل.
- ۴) **اسناد تنظیمی در دفاتر ثبت:** مانند اظهارنامه‌ها و صورت مجلس ابلاغ وجه و ثبت وقایع از جمله وقوع جرم‌ها و تصادم‌ها. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۹۵).

یکی از حقوقدانان برجسته، (همان)، نوع دیگری از اسناد رسمی تحت عنوان اسناد تنظیم شده با صلاحیت اداری را نیز به این تقسیم‌بندی اضافه کرده و اسناد مربوط به اعمال حقوقی که به وسیله مأموران رسمی ثبت می‌شوند مانند اعلام حجر و رفع آن، فرزندخواندگی و سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست، وصیت‌نامه‌های سری و خود نوشت و اسناد تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی را جزء این دسته از اسناد رسمی محسوب نموده است.

۲-۵- شرایط تنظیم و ثبت اسناد رسمی

در این قسمت ابتدا شرایط ماهوی تنظیم و ثبت اسناد رسمی و سپس شرایط شکلی آن به ترتیب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۵-۱- شرایط ماهوی

- **مداخله مأمور رسمی در تنظیم سند:** مأمور رسمی اعم از مأمور دولتی اسمت زیرا ممکن است کس مأمور رسمی باشد ولی مأمور دولتی (مستخدم و کارمند) نباشد. مانند سردفتر اسناد رسمی و سردفتر ازدواج و طلاق که وابسته به قوه قضائیه هستند. فلذا صرف دولتی بودن مأمور، در رسمی تلقی شدن

سند تنظیمی، موضوعیت نداشته و مأمور غیردولتی که از طرف مرجع صلاحیت‌دار کشور به آن سمت تعیین شده باشد (امامی، ۱۳۸۴، ج ۶، ۶۸)، پدیده‌هایی‌اند سند رسمی تنظیم نماید. بر این اساس منظور از مأمور رسمی، شخصی است که مأموریت او در قانون پیش‌بینی شده باشد (شمس، ۱۳۸۰، ج ۳، ۱۴۱). بر حسب این تعریف، مأمورین شهرداری، اعضای هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری، کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مؤسسات و سازمان‌هایی که با اجازه قانون تأسیس شده‌اند جزء مأمورین رسمی هستند. با توجه به مراتب، پروانه ساختمان یا گواهی پایان کار صادره از شهرداری و نیز پروانه وکالت صادره از کانون وکلا برای وکیل و پروانه کارشناسی صادره از کانون کارشناسان دادگستری برای کارشناس، جزء اسناد رسمی است که توسط مأمورین رسمی در حیطه صلاحیت آن‌ها و با توجه به مقررات قانونی مربوطه تنظیم شده‌اند (بازگیر، ۱۳۷۷: ۲۶۶). همچنین «رای دادگاه، گزارش اصلاحی، صورت‌جلسه‌های دادرسی، نظر هیئت‌منصفه یا کارشناسی، اسناد مربوط به قانون‌گذاری، امور اداری و مالیاتی و شهرداری و ثبت احوال و بسیاری از این قبیل در زمره اسناد رسمی است (کانونزبان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۹۱).

- **صلاحیت مأمور رسمی تنظیم کننده سند:** مأمور رسمی که اقدام به تنظیم سند می‌نماید، برای رسمی تلقی شدن سند مذکور باید آن مأمور، صلاحیت قانونی تنظیم سند را داشته و از حدود اذن داده شده به وی برای تنظیم سند خارج نگردد. صلاحیت مأمور اعم از ذاتی و نسبی است منظور از صلاحیت ذاتی این است که مأمور باید در نوع امری که سند آن را تنظیم می‌کند صالح باشد. به عنوان مثال مأموری که برای ثبت دفتر املاک معین شده فقط برای انجام آن امر صلاحیت دارد و برای انجام امور دیگر مانند ثبت اسناد در دفتر اسناد رسمی یا تنظیم سجل احوال، صلاحیت نخواهد داشت (امامی، ۱۳۸۴، ج ۶، ۶۸). چون تنظیم این اسناد حسب مورد، در صلاحیت سردفتر یا مأمور اداره ثبت احوال می‌باشد. منظور از نسبی بودن صلاحیت، حدود اختیارات مأمور می‌باشد نسبت به امری که از طرف مقام صلاحیت‌دار به او محول گردیده است، با این معنی که مکان و زمان وضعیت حقوقی اشخاصی که سند برای آنان تنظیم می‌شود را رعایت کرده باشد، به عنوان مثال: مأموری که از طرف اداره ثبت احوال، مأمور ثبت متوفیات بیگانگان حوزه تهران می‌باشد، صلاحیت ثبت متوفیات بیگانگان سایر حوزه‌ها را ندارد (همان). بنابراین، اقدام مأمور انتظامی یا شهرداری به تنظیم سند رسمی معامله یا تنظیم سند رسمی در خارج از حوزه صلاحیت سردفتر یا دخالت او در معاملات مربوط به خویشان نزدیک یا اموری که در آن ذی‌نفع است، فاقد اعتبار به عنوان سند رسمی به علت خروج از مرز اختیار باشد. اما این اسناد با رعایت ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی، سند و حدود صلاحیت می‌باشد (کانونزبان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۹۳). اما این اسناد با رعایت ماده‌ی ۱۲۹۳ قانون مدنی، سند عادی محسوب خواهد شد.

- **لزوم رعایت مقررات قانونی مربوط در تنظیم سند:** برای اینکه سند تنظیمی مأمور رسمی در حیطه صلاحیت وی، رسمی تلقی شود، رعایت تشریفاتی که قانون آن‌ها را مقرر کرده، ضرورت دارد. در این خصوص، ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، تنظیم سند بر طبق مقررات قانونی را برای رسمی محسوب تمدن سند، شرط اساسی اعلام نموده است. ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات قانونی مربوط به تنظیم سند، عادی تلقی شدن آن سند به شرط دارا بودن امضا یا مهر طرف می‌باشد. تشریفات تنظیم سند به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱) تشریفاتی که رعایت آن‌ها در تنظیم سند ضروری است و عدم رعایت آن‌ها اسناد را اثر

رسمیت می‌اندازد: این تشریفات شامل تمام تشریفاتی است که در قانون و یا آئین‌نامه اجرایی قانون برای تنظیم سند پیش‌بینی شده است (امامی، ۱۳۸۴، ج ۶، ۷۰). به عنوان مثال امضای

صورت مجلس یا سند قرارداد با اقرارنامه توسط مأمور رسمی یا امضای شاهدان معرف و تصدیق، دو طرف در اسناد تنظیم شده در محضر رسمی و تاریخ امضای سند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۹۳).

۲) تشریفاتی که عدم رعایت آن‌ها سند را از رسمیت نمی‌اندازد: مواردی مانند: «عدم رعایت مقررات راجع به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد، نتیجتاً هر امری که قانون، رعایت آن را در تنظیم سند لازم دانسته است، چنانچه عده تأثیر آن در رسمیت سند به وسیله قانون مسلم نگردد، باید رعایت آن را مؤثر دانست. زیرا اطلاق ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی که می‌گوید: «بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است»، ایجاب می‌نماید هر امری را که قانون یا آئین نامه به دستور قانون نوشته شده باشد مقرر دارد، از جمله تشریفاتی است که شرط رسمیت سد می‌باشد و عدم رعایت آن، مانع از رسمیت سند خواهد بود (امامی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۶۹). بنابراین سند وقتی رسمی شناخته می‌شود که دارای شرایط سه‌گانه یکی از آن‌ها مفقود باشد، یعنی تنظیم سند توسط غیر مأمور رسمی، یا توسط مأمور رسمی فاقد صلاحیت یا تنظیم آن بدون رعایت مقررات و ترتیبات قانونی چنین سندی بنا به حکم ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی، به شرط داشتن امضا یا مهر طرف عادی تلقی خواهد شد و قابلیت انکار و تردید و حتی ادعای جعلیت را خواهد داشت.

۲-۵-۲- شرایط شکلی

علاوه بر شرایط ماهوی که رعایت آن‌ها ضروری است، برخی تشریفات شکلی هم وجود دارند که رعایت آن‌ها به موجب مقررات ثبتی ضروری است این تشریفات عبارت‌اند از: تنظیم سند بر روی اوراق رسمی چاپی تهیه‌شده توسط سازمان ثبت اسناد و املاک (آدابی، ۱۳۸۸: ۱۷۵-۱۷۶)، لزوم تنظیم آن به زبان فارسی، پرداخت مالیات و عوارض قانونی و حق‌التحریر و حق‌الثبت سند مگر در مواردی که به حکم قانون از پرداخت آن‌ها معاف شده باشند. لزوم امضا و مهر سند توسط سردفتر و داشتن تاریخ، شماره سند تنظیمی و نیز قانونی که به آن بهای اوراق گفته می‌شود. البته عدم رعایت آن‌ها سند را از رسمیت نمی‌اندازد.

۳-وظایف و الزامات اداره راهنمایی و رانندگی در خصوص نقل و انتقال وسایل نقلیه

در تقسیم‌بندی قوانین به امری و تکمیلی، بدون تردید، قوانین مربوط به تخلفات رانندگی در شمار قوانین امری قرار می‌گیرد که هدف از وضع آن، حفظ منافع عمومی و در نتیجه تراضی اشخاص برخلاف مقررات وضع شده، از نظر قانون‌گذار، مردود می‌باشد (محبی، ۱۳۹۵: ۱۶۹-۱۷۳). با این وصف، قدرت اجبار کننده قانون که فصل مشترک تمام مصوبات قوه‌ی مقننه است، در قوانین امری از صراحت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین تخییر مندرج در ماده‌ی ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۱/۶/۱۸ خلاف دلایل وضع و فلسفه تصویب قانون است.

۱- ماده‌ی ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۲۹) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۱/۶/۱۸ مقرر می‌دارد: در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف - بررسی اصالت وسیله نقلیه: مطابقت مشخصات و مختصات فنی وسیله نقلیه با اسناد مسلم‌الصدر و سوابق شماره‌گذاری توسط کارشناس راهنمایی و رانندگی. ب - تعویض پلاک: فک پلاک متعلق به مالک از روی وسیله نقلیه و اختصاص پلاک به منتقل‌الیه و ثبت اطلاعات منتقل‌الیه به عنوان آخرین مالک در سامانه شماره‌گذاری و صدور سند مالکیت و کارت شناسایی خودرو و نصب پلاک مربوط به مالک جدید بر روی وسیله نقلیه. پ - دیون معوق: مالیات و عوارض پرداخت نشده وسیله نقلیه تا زمان تعویض پلاک. ت- جریمه‌ها: جریمه‌های مربوط به تخلفات رانندگی با وسیله نقلیه مورد معامله تا زمان انتقال مالکیت. ث- مراکز تعویض پلاک: مراکز خدمات خودرویی که با مجوز و تحت نظارت راهنمایی و رانندگی فعالیت می‌نمایند.

چرا که بررسی اصالت وسیله نقلیه، احراز هویت دارندگان وسایل نقلیه، اخذ گواهی دیون معوق توسط راهنمایی و رانندگی یا مراکز تعیین‌شده، سپس تنظیم سند نقل و انتقال در دفتر اسناد رسمی و آنگاه تعویض پلاک خودرو، جز با حضور و استقرار دفاتر اسناد رسمی در مراکز تعویض پلاک، عملی نمی‌گردد و اگر هم به جز این روش توصیه گردد، با عنایت به ضرورت تکریم ارباب‌رجوع، باعث صعوبت و سختی انجام آن برای مراجعین به مراکز و دفاتر خواهد گردید. علاوه بر آن، اگرچه در عبارت قانون از ادات تکلیف استفاده نگردیده اما از آنجایی که هدف قانون‌گذار در وضع قوانین، اخبار از امری نبوده بلکه تعیین تکلیف موضوعی خاص می‌باشد، استناد به عبارت «پدیده‌ هوایی‌اند» در تبصره‌ی یک؛ «نیروی انتظامی پدیده‌ هوایی‌اند با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور امکان استقرار دفاتر اسناد رسمی را به تعداد کافی در مراکز تعویض پلاک فراهم آورد»، نافی تکلیف نیروی انتظامی در فراهم آوردن امکان استقرار دفاتر اسناد رسمی در محل مراکز تعویض پلاک نمی‌باشد.

همچنین اطلاق و عموم عبارت «نقل و انتقال خودرو به موجب سند رسمی انجام می‌شود» در صدر ماده‌ی ۲۹ قانون، ناظر به تکلیف تمامی دارندگان وسایل نقلیه به حضور در دفاتر اسناد رسمی جهت تنظیم سند نقل و انتقال است. استثنا شدن وسایل نقلیه وارداتی و خودروهای ساخت داخل که سابقه شماره‌گذاری در سامانه راهنمایی و رانندگی ندارند از شمول آیین‌نامه و تبعاً اختصاص یا تعویض پلاک بدون تنظیم سند نقل و انتقال در آیین‌نامه اجرایی ماده‌ی ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ نص صریح ماده‌ی ۲۹ قانون و معتبر شمردن اسناد عادی مالکیت خودرو به رغم نهی قانون‌گذار و محرومیت دولت از وصول حقوق قانونی مترتبه می‌باشد. لذا اجرای صحیح قانون، مستلزم اصلاح آیین‌نامه در سال ۱۳۹۱ شد که انتظار می‌رود هیئت‌وزیران با اصلاح آیین‌نامه و در غیر این صورت، ریاست مجلس شورای اسلامی، حسب اختیارات قانونی، پس از تطبیق و ابطال موارد خلاف قانون، زمینه‌ی اجرای دقیق ماده‌ی ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و تبعاً حفظ حقوق اشخاص و دولت را فراهم نمایند.

موضوع دخالت پلیس در امر نقل و انتقال خودروها چند سال است که مطرح و تعقیب شده است. در ابتدا با طرح موضوع «طرح ملی تعویض پلاک خودروها» مرکزی تحت عنوان «مراکز نقل و انتقال خودروها» در سراسر کشور بدون آن‌که مصوبه قانونی داشته باشد، تأسیس شد و با ترتیب دادن مصاحبه‌های متعدد، مسئولین پلیس راهور در رسانه‌ها مردم را از مراجعه به دفاتر اسناد رسمی بر حذر داشته و آن را گویی یک جرم نابخشودنی عنوان و تلقی نمودند و به مردم القا کردن که تنها باید برای نقل و انتقال خودرو، به مراکز مزبور مراجعه نمایند و نقل و انتقال خودرو را در صلاحیت ذاتی خود دانستند اما پس از آن‌که با مخالفت قانونی کانون سردفتران و دفتریاران روبه‌رو شدند و کانون سردفتران و دفتر یاران موضوع را به مسئولین کشور گزارش نمودن، مجبور شدند از طریق هیئت دولت، ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی را به تصویب برسانند تا جنبه‌ی قانونی به اقدامات خود ببخشند. لیکن خوشبختانه در ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه مزبور، هیئت دولت، موضوع نقل و انتقال مالکیت خودرو و تعویض پلاک خودرو را از یکدیگر تفکیک نموده و تنها بخش تعویض پلاک را در صلاحیت پلیس دانسته و بر آن تأکید نمودند. هم‌چنین با مداخله‌ی رئیس وقت سازمان ثبت از اقدامات غیرقانونی پلیس راهور جلوگیری شد و با انجام مصاحبه‌ها و مذاکراتی، این نهاد انتظامی را تشویق نمودند که توافق‌نامه‌ای با کانون سردفتران و سازمان ثبت منعقد کنند تا دفاتر اسناد رسمی به طور دوره‌ای در مراکز مزبور مستقر گردیده و پس از تعویض پلاک خودروها امر نقل و انتقال رسمی خودروها را در همان مراکز تعویض پلاک به انجام برسانند و بدین ترتیب تلاش‌های پلیس راهور را در جهت حذف دفاتر اسناد رسمی از فرایند نقل و انتقال خودروها خنثی نمودند و حتی برای نشان دادن حسن نیت خود و با وجود تأکید بر جدا بودن موضوع نقل و انتقال مالکیت خودروها و امر تعویض پلاک خودروها،

برای حل مشکلات ناشی از عدم تنظیم معاملات خود در دفاتر اسناد رسمی خودداری نموده بودند و تصور می‌کردند که با اعلام پلیس دیگر نیازی به ثبت معاملات خودرو نیست و تعویض پلاک کافی است؛ در این مقطع زمانی، مسئولان سازمان ثبت، توافق نمودند که دفاتر اسناد رسمی، معاملات بعدی خودروهای مزبور را به استناد شناسنامه‌های خودرو که در آن دوره توسط پلیس راهور صادر شده بود، به ثبت برسانند تا این مشکل نیز حل شود و لیکن متأسفانه، مسئولان پلیس راهور، برخلاف توافق مزبور، بعداً از حضور سردفتران در مراکز مزبور جلوگیری نمودند و اجازه ندادند تا توافق‌نامه تداوم‌یافته و به طور کامل به اجرا درآید و در مقابل، از طریق مجلس و هیئت دولت در پی آن بوده‌اند که در مقررات گوناگون که به تصویب مراجع مذکور می‌رسد، موادی را اضافه نمایند تا به پلیس راهور اجازه داده شود که رأساً معاملات راجع به خودروها را بدون نیاز به مراجعه به دفاتر اسناد رسمی به انجام برساند. امری که تاکنون ادامه داشته و آخرین بار شاهد هستیم که در مجلس شورای اسلامی در مقرراتی که راجع به راهنمایی و رانندگی در دست تصویب می‌باشد، ماده‌ای را پیشنهاد داده‌اند که پلیس راهور رأساً به نقل و انتقال خودروها مبادرت ورزد. لیکن خوشبختانه، با درایت اعضای کمیسیون قضایی مجلس، این بار نیز با اصلاح ماده پیشنهادی پلیس راهور مقرر شد؛ نه تنها امر نقل و انتقال خودرو در دفاتر اسناد رسمی صورت گیرد بلکه تعویض پلاک نیز به دفاتر مزبور محول شود و این ماده در کمیسیون قضایی مجلس با اکثریت مطلق آرا به تصویب رسید.

۴- الزام به نقل و انتقال وسایل نقلیه در دفاتر اسناد رسمی

تمامی عنوان‌های مرتبط با این مبحث کاملاً مطابق با ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و آئین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۹۱ می‌باشد:

۴-۱- رعایت تشریفات قانونی در دفاتر اسناد

با تصویب ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و آئین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۹۱ نقل و انتقال اموال منقول مانند اموال غیرمنقول الزامی است و در کلیه‌ی مجالس قانون‌گذاری کشور، دفاتر اسناد رسمی به عنوان مرجع نهایی تنظیم اسناد انتقال وسایل نقلیه موتوری تلقی شده و حتی در قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷، و قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند هنگام تنظیم هرگونه سند در مورد وسایل نقلیه موتوری زمینی مشخصات بیمه‌نامه‌ی شخص ثالث آن‌ها را در اسناد تنظیمی درج نمایند و در مقررات مربوط به وصول عوارض خودرو نیز دفاتر اسناد رسمی مکلف شده‌اند شماره و تاریخ برگه مفصلاً حساب عوارض شهرداری و یا قبض پرداختی را در سند تنظیمی انتقال خودرو درج نمایند. بنابراین قانون‌گذار در بحث وظایف اختصاصی نیروی انتظامی به نحوه‌ی شماره‌گذاری خودرو و اختصاصاً شماره ملی خودرو و مجوز دریافت مبلغ مربوط و واریز آن به حساب خزانه بسنده کرده و مجدداً وظایف تخصصی هر دو نهاد را از یکدیگر تفکیک نموده و حتی تمایلی جهت الزام نیروی انتظامی به کنترل وضعیت نظام‌وظیفه متعاملین وسایل نقلیه موتوری که خارج از بحث تخصصی تعویض پلاک خودرو است، نشان نداده و کنترل آن را کمافی سابق به عهده دفاتر اسناد رسمی گذارده است (بلغاری، ۱۳۸۸: ۸۷).

صلاحیت ذاتی دفاتر اسناد رسمی به منظور تنظیم و ثبت اسناد بر همگان مبرهن است به گونه‌ای که با این اسناد وسیله اثبات مالکیت وسایل نقلیه مشخص و تعیین می‌گردد و هیچ‌گونه نیازی به تعویض پلاک وجود ندارد. با تنظیم و ثبت اسناد و ارائه خلاصه‌ای از اسناد به ادارات راهنمایی و رانندگی، این مراکز مراتب ثبت آن را در شماره‌گذاری انجام می‌دهند. لازم است قانون‌گذار برای پایان بخشیدن به این مناقشات

به‌صراحت و روشنی مراتب تنظیم اسناد برای نقل و انتقال خودرو با یک بار و برای همیشه تبیین و ضرورت آن را بیان نماید.

تقدم و تأخر تعویض پلاک برای اسناد خودرو وجود ندارد. اگر متعاملین برای تعویض پلاک خودرو به مراکز ذی‌ربط مراجعه نمودند این مراکز اقدام به تعویض پلاک نمایند. در غیر این صورت، با تنظیم سند رسمی در دفترخانه‌ها تصویری از سند برای درج در مراتب و سوابق پلاک به اداره راهنمایی و رانندگی ارسال گردد. انتقال اسناد اتومبیل در دفاتر اسناد رسمی اعم از مالیات، حق الثبت و عوارض شهرداری اخذ و به حساب‌های مربوطه واریز می‌شود، بخشی از منابع درآمدی دولت است که در تنظیم بودجه به آن توجه می‌شود و عیناً آن وجوه برای رفاه مردم در ردیف‌های مخصوص هزینه می‌شوند و پرداخت‌کننده مالیات و عوارض و حق ثبت، خود، نیز از وجوه واریزی منتفع می‌گردد. ماده‌ی ۴۲ قانون ارزش افزوده که راجع به مجوز دریافت مالیات و عوارض است، اشاره شد. و مجوز وصول حق ثبت اسناد ماده‌ی ۱۰ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۰ که مواد ۱۲۳ و ۱۲۴ اصلاحی قانون ثبت را به شرح زیر اصلاح نمود؛ ماده‌ی ۱۲۳-تعرفه ثبت کلیه اسناد رسمی در دفاتر اسناد رسمی به میزان نیم درصد مبلغ مندرج در سند... خواهد بود.

چنانکه واضح است متولیان و مسئولان ثبت اسناد رسمی در کشور، دفاتر اسناد رسمی بوده و مسئول وصول حق ثبت اسناد هستند. در اسناد اتومبیل، میزان حق ثبت به میزان نصف مالیات متعلقه به خودرو مورد معامله است. آنچه که مورد نظر حاکمیت و دولت است در اجرای اصل ۴۴ ق.ا. کوچک نمودن دولت و واگذاری قسمتی از امور و وظایف دولت به بخش خصوصی است و تصویب ماده‌ی ۲۹ قانون فوق‌الذکر نیز در همین راستا بوده است. ادارات راهنمایی و رانندگی که مجری اصلی قانون خواهند بود در اجرای هرچه بهتر مواد قانون به منطوق و مفاهیم آن توجه بیشتری مبذول و با حفظ متن شناسنامه‌های قبلی (برگ سبز) و عدم تغییر متن برگ‌های سبز به سند مالکیت! و درج فیش مالیات و فیش عوارض در قسمت انتهایی برگ‌های مذکور از القای غیرقانونی این‌که برگ سبز سند رسمی مالکیت خودرو است، اجتناب ورزند تا آیین‌نامه مربوطه نیز در راستای اجرای هرچه بهتر و صحیح‌تر قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران برسد.

همچنین، رأی قاطع مورخ ۱۰ / ۱۱ / ۹۵ کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و نیز نظریه مورخ ۹۶/۲/۲۵ معاونت حقوقی ریاست جمهوری نشان می‌دهد سه قوه کشور بر نقل و انتقال خودرو در دفاتر اسناد رسمی تاکید دارند و برگ صادره توسط پلیس را سند مالکیت خودرو نمی‌دانند. شایان توجه است یکی از مشکلات فعلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که در چند سال اخیر به شدت مورد حمایت نهادهای قانون‌گذاری بوده است، نبود بخش خصوصی کارا و باتجربه در فعالیتهای ذی‌ربط است که بعضاً باعث شکست سرمایه‌گذاری و بازگشت وظایف ارجاعی به دولت شده است. بنابراین دفاتر اسناد رسمی، با گسترش وسیع در یک سال اخیر، نه تنها در این موضوع بلکه می‌توانند در رسیدن به یکی از اهداف بسیار مهم دولت و قوه قضائیه مبنی بر کاهش وظایف تصدی‌گری در ابعاد حقوقی و قضایی مؤثر واقع شوند. اگرچه با تصویب ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی به اختلاف نظر پدید آمده، پایان شد مع‌هذا با بررسی دوباره‌ی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی که در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس مطرح و رسیدگی گردیده بود و به نحوی تنظیم اسناد انتقال وسایل نقلیه به صورت ناقص در ماده‌ی ۲۹ قانون تخلفات راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۹ آمده است لیکن با مناقشات بسیار سرانجام با ارسال بخشنامه از سوی دستگاه قضا در مورخ ۲۱ / ۱۲ / ۹۵ تلاش در تبیین و تفکیک وظایف دفاتر اسناد رسمی و نیروی انتظامی در تنظیم اسناد انتقال خودرو شد که به رفع ابهام در ماده‌ی یادشده، شد؛ واگذاری و استفاده از وسایل نقلیه به صورت رسمی در دفاتر اسناد رسمی در اولویت قرار گرفت. اما اصولاً افراد را نمی‌توان از

مکتوب کردن توافقات و معاملات اولیه خود به صورت عادی محروم ساخت. از نظر سیاق قانون گذاری، مردم را می‌توان به انجام شماره گذاری در مراکز تعویض پلاک به نام خود و سپس انتقال قطعی در دفاتر اسناد رسمی ترغیب و ملزم کرد. با وجود این، بنا به جهاتی از قبیل حفظ نظامات عمومی، مصالح عامه، منافع ملی و اقتضائات اجتماعی - اقتصادی و قضایی در اعمال حقوقی خاصی علاوه بر اعلام اراده و قصد مشترک متعاقبین و رعایت قواعد عمومی قراردادها، تشریفات خاص و متناسبی از طرف مقنن، لازم و ضروری گردیده است. به نحوی که هم اغراض شهروندان با تکیه بر «اصل آزادی اراده» در حوزه حقوق خصوصی برآورده می‌شود و هم اهداف قانون گذار. از این منظر، برای اشخاص ذی‌ربط و همچنین برای مأمورین، مقامات رسمی و قضات و سایر اشخاص، تکالیف و التزاماتی به وجود می‌آید.

لازم است مورد دیگری را که به رعایت مقررات و تشریفات قانونی در نقل و انتقال خودرو مربوط می‌باشد، به مواد یادشده اضافه گردد و این، خود، مصداقی از ظهور اراده مقنن در این خصوص است. به طوری که ماده‌ی ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب اسفندماه سال ۱۳۸۹ به تصریح و تلویح، حکم خاصی در تشریفات تنظیم سند خودرو اعلام می‌دارد. بدین معنا که هرگاه موضوع نقل و انتقال، خودرو باشد صرف‌نظر از قالبی که برای نقل و انتقال مشخص می‌شود پس اجرای تشریفات مقدماتی، منحصرأ و با تنظیم سند رسمی در دفاتر اسناد رسمی امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو، اسناد عادی تنظیم شده در نمایشگاه‌های اتومبیل و نیز برگ سبز؛ سند مالکیت خودرو، معمول به در واحدهای تعویض پلاک پلیس راهور، در برابر اشخاص ثالث از قبیل شرکت‌های بیمه جهت تنظیم قرارداد بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری و نیز دادگاه‌ها به منظور توثیق بیمه‌نامه در قبال خسارات اشخاص زیان‌دیده ناشی از تصادفات رانندگی و در مراجع ذی‌ربط انتظامی جهت تعویض پلاک، اصولاً قابل استناد نبوده و در مراجع قضایی دلیل اثباتی برای احراز مالکیت، محسوب نخواهد گردید. (نایی، ۱۰: ۱۳۹۰) تشریفات که رعایت آن در تنظیم سند رسمی لازم باشد همان است که «قانون یا آیین‌نامه‌ای که به دستور قانون نوشته شده...» مقرر می‌دارد تشریفات مزبور به دو دسته تقسیم می‌شوند نخست تشریفات که رعایت نکردن آن‌ها سند را از رسمیت نمی‌اندازد و دسته دوم تشریفات که عدم رعایت آن‌ها مانع می‌شود که سند رسمی توصیف شود (شمس، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

همچنین، در این راستا، شورای نگهبان قانون اساسی طی بند ۱۱ نظریه شماره ۸۹۲۹/۳۰/۰۹-۱۳۸۹/۴/۲۳ به دلیل عدم صراحت در التزام به ثبت رسمی معاملات اتومبیل و عدم وصول درآمدهایی نظیر حق الثبت و مالیات و عوارض و حقوق دولتی، تبصره ماده ۲۹ لایحه تصویبی را جهت رفع ابهام به مجلس شورای اسلامی عودت کرد که تبصره مذکور نهایتاً به عنوان ماده ۲۹ قانون مذکور اصلاح شد که مقرر می‌دارد: نقل و انتقال خودرو باید به موجب سند رسمی صورت گیرد لازم به ذکر است که حق الثبت مورد نظر شورای نگهبان، به موجب ماده ۱۲۳ اصلاحی قانون ثبت^۲ به حساب سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و

۲- ماده ۱۲۳ اصلاحی قانون ثبت به شرح زیر اصلاح می‌شود: تعرفه ثبت کلیه اسناد در دفاتر اسناد رسمی به میزان نیم درصد مبلغ مندرج در سند و در موارد اسنادی که موضوع آنها انتقال منافع می‌باشد هرگاه منافع به طور عمومی انتقال داده شود حق الثبت از منافع ده ساله اخذ خواهد شد.

تبصره ۱ - بنای وصول حق‌الثبت اسناد و در مورد املاک به شرح بند (ع) ماده ۱ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و در مورد انواع خودروهای سبک و سنگین اعم از سواری و غیر سواری و ماشین‌آلات راه‌سازی و کشاورزی و موتورسیکلت اعم از تولید داخل یا وارداتی حسب مورد، مأخذ محاسبه مالیات نقل و انتقال و یا ارزش اعلام شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشد. تبصره ۲ - حق‌الثبت اسناد وکالت برای فروش وسایل نقلیه موتوری و ماشین‌آلات راه‌سازی و مصرفی و کشاورزی و موتورسیکلت و نظایر آن‌ها مطابق حق‌الثبت سند قطعی آن‌ها می‌باشد. ماده ۱۲۴ - حق‌الثبت اسنادی که تعیین قیمت موضوع آن‌ها ممکن نباشد و انجام گواهی هر امضاء و صدور رونوشت برای هر برگ و فسخ و

مالیات وفق ماده ۴۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ به حساب خزانه واریز می‌شود و ۰/۴۲٪ حق الثبت وفق بند ۱ ماده ۱۷ قانون اساسنامه هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب^۳ ۱۳۶۷ به حساب سازمان مذکور واریز می‌شود. وفق تبصره ۱ ماده ۴۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، دفاتر اسناد رسمی مکلف گردیدند که قبل از تنظیم هر نوع سند بیع قطعی، صلح، هبه و وکالت برای فروش انواع خودرو، رسید پرداخت مالیات نقل و انتقال و رسید یا گواهی پرداخت عوارض شهرداری را اخذ و در اسناد تنظیمی شماره و تاریخ فیش بانکی را قید نمایند.

لذا انتقال رسمی وسایل نقلیه در دفاتر اسناد رسمی، از تکالیف قانونی بوده و حذف سند رسمی انتقال نه تنها موجب کاهش وصول مالیات، عوارض و حق الثبت پیش‌بینی شده است بابت نقل و انتقال خودرو می‌شود که در نامه شماره ۱۱۸۱۰/۱۴۸۳۵۱ - ۱۳۸۹/۷/۱۰ معاونت حقوقی ریاست جمهوری به آن اشاره شده بلکه برخلاف صریح ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ است. لازم به ذکر است که وفق تبصره ۷ ماده ۴۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ادارات راهنمایی و رانندگی) فقط و فقط هنگام نقل و انتقال خودروهای دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مکلف به ثبت انتقال در سوابق (پس از اخذ نسخه پرداخت‌شده قبض مالیات نقل و انتقال) شده است.

علاوه بر آنچه که یادآوری شد، لازم است مورد دیگری را که به رعایت مقررات و تشریفات قانونی در نقل و انتقال خودرو مربوط می‌باشد، به مواد یاد شده اضافه گردد و این، خود، مصداقی از ظهور اراده مقنن در این خصوص است. به‌طوری که ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب اسفندماه سال ۱۳۸۹ به تصریح و تلویح، حکم خاصی در تشریفات تنظیم سند خودرو اعلام می‌دارد. بدین معنا که هرگاه موضوع نقل و انتقال، خودرو باشد صرف‌نظر از قالبی که برای نقل و انتقال مشخص می‌شود پس از تشریفات مقدماتی، منحصرًا و با تنظیم سند رسمی در دفاتر اسناد رسمی امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو، اسناد عادی تنظیم شده در نمایشگاه‌های اتومبیل و نیز برگ سبز (سند مالکیت خودرو؟!) معمول به در واحدهای تعویض

اقاله معاملات و هر نوع گواهی که از ادارات ثبت گرفته می‌شود به پنج هزار (۵۰۰۰) ریال افزایش یافته و برای المثنی سند، علاوه بر پانزده هزار (۱۵۰۰۰) ریال بهای دفترچه دویست و پنجاه هزار (۲۵۰۰۰۰) ریال نیز حق‌الثبت دریافت خواهد شد. کلیه قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد و نیز هر گونه معافیت از حق‌الثبت به استثناء قانون معافیت کلیه دانشجویان بورسیه و اعضای هیئت علمی که جهت تحصیلات عالی یا استفاده از فرصت‌های مطالعاتی به خارج از کشور اعزام می‌گردند از حق‌الثبت اسناد مربوط به سپردن تعهد رسمی مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲ به موجب این قانون لغو می‌گردد، بندهای الحاقی به ماده (۱۰).

۳- ماده ۱۷ قانون اساسنامه هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷ مقرر می‌دارد: منابع مالی جمعیت علاوه بر آنچه که قانون در گذشته مشخص نموده است عبارت است از:

- ۱) چهل و دو درصد از درآمد حاصل از حق‌الثبت اسناد رسمی.
 - ۲) پنجاه و پنج درصد از محل درآمد یک درصد کارمزد ثبت سفارش‌ها.
 - ۳) یک ریال از هر مراسم سفارشی و بیمه اعم از داخله و خارجه و مبلغ دو ریال از هر امانت پستی اعم از داخله و خارجه و مبلغ دو ریال و نیم از هر تلگراف اعم از داخله و خارجه که به وسیلهی الصاق تمبر خیریه از فرستندگان دریافت می‌شود.
 - ۴) اعانات، عواید و اموالی که در اجرای تصمیمات و مصوبات مراجع و سازمان‌های دولتی و شهری اختصاص به جمعیت داده می‌شود و همچنین اعانات مردمی و کمک‌های خارجی.
 - ۵) کمک‌های دولت به منظور تامین منابع مالی کافی و تقویت و تحکیم نیروی جمعیت که باید همه ساله، ردیف اعتباری به عنوان اعانه در بودجه کل کشور منظور گردد.
 - ۶) معادل یک درصد قیمت هر بلیط هواپیما و کشتی که از هر مسافر باید اخذ و به حساب جمعیت واریز گردد.
- تبصره- کمک‌های دولت که همه ساله در ردیف اعتباری به عنوان اعانه در بودجه کل کشور منظور می‌گردد، طبق این اساسنامه و مقررات و ضوابط خاص جمعیت به مصرف می‌رسد. دولت موظف است علاوه بر مبلغ فوق در شئون مختلف، بذل مساعدت و همکاری لازم را با جمعیت بنماید.

پلاک پلیس راهور، در برابر اشخاص ثالث از قبیل شرکتهای بیمه جهت تنظیم قرارداد بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری و نیز دادگاهها به منظور توثیق بیمهنامه در قبال خسارات اشخاص زیان دیده ناشی از تصادفات رانندگی و در مراجع ذیربط انتظامی جهت تعویض پلاک، اصولاً قابل استناد نبوده و در مراجع قضایی دلیل اثباتی برای احراز مالکیت، محسوب نخواهد گردید. که این طرز تلقی از مصادیق نقض اغراض قانون گذار بوده و موجب بروز مشکلات حقوقی و اجرایی عدیده‌ای برای شهروندان و مراجع ذیربط بوده و مانع فعالیت و پیاده‌سازی اهداف قانون گذار حکیم گردیده و در نهایت موجب اختلال در نظم عمومی به نظر می‌رسد. با تصویب ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و آئین نامه اجرایی آن در سال ۸۹ نقل و انتقال اموال منقول مانند اموال غیرمنقول الزامی است که در ماده یک آئین نامه مذکور مقرر می‌نماید: نقل و انتقال و تغییر مالکیت وسایل نقلیه به موجب سند رسمی تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی صورت می‌گیرد دفاتر اسناد رسمی مکلفاند قبل از تنظیم سند انتقال، گواهی اداره راهنمایی و رانندگی مبنی بر تعویض پلاک را اخذ و با رعایت ماده ۲۹ قانون تخلفات رانندگی و این آئین نامه و سایر مقررات جاری مبادرت به تنظیم و ثبت سند نمایند.

۴-۲- عدم صدور سند نقل و انتقال قبل از مراجعه دارنده به تعویض پلاک

ماده ۴ آیین نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۱ اعلام می‌دارد: دفاتر اسناد رسمی مجاز به صدور سند نقل و انتقال وسیله نقلیه قبل از مراجعه دارندگان وسایل نقلیه به ادارات راهنمایی و رانندگی و یا مراکز تعویض پلاک نمی‌باشند. نقل و انتقال و تغییر مالکیت وسایل نقلیه به موجب سند رسمی تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی صورت می‌گیرد دفاتر اسناد رسمی مکلفاند قبل از تنظیم سند انتقال، گواهی اداره راهنمایی و رانندگی مبنی بر تعویض پلاک را اخذ و با رعایت ماده ۲۹ قانون تخلفات رانندگی و این آئین نامه و سایر مقررات جاری مبادرت به تنظیم و ثبت سند نمایند در صورت استتکاف مراکز تعویض پلاک خودرو از صدور برگ تأییدیه، دفاتر اسناد رسمی می‌توانند نسبت به تنظیم سند رسمی انتقال خودروها اقدام نمایند به دنبال اطلاعیه‌ی انتشار کانون سردفتران و دفتر یاران، بر اساس مصوبه ۹۲/۳/۹۸۳۱۱ هیئت مدیره کانون سردفتران و دفتر یاران، چنانچه اطلاعات واصله مبین بر استتکاف مراکز تعویض پلاک خودرو از صدور برگ تأییدیه جهت نقل و انتقال رسمی خودروها در دفاتر اسناد رسمی صحت داشته باشد، دفاتر اسناد رسمی می‌توانند شناسنامه مالکیت صادره به نام خریدار را به منزله تأییدیه نقل و انتقال تلقی کرده و نسبت به تنظیم سند رسمی انتقال خودروها به استناد شناسنامه صادره اقدام نمایند. امتناع مراکز تعویض پلاک خودرو از صدور برگ تأییدیه در خصوص تنظیم سند انتقال خودرو در دفاتر اسناد رسمی، هیئت مدیره کانون سردفتران و دفتر یاران، چنانچه اطلاعات واصله مبنی بر استتکاف مراکز تعویض پلاک خودرو از صدور برگ تأییدیه، دفاتر اسناد رسمی می‌توانند نسبت به تنظیم سند رسمی انتقال خودروها اقدام نمایند، لذا به استناد ماده ۲۰ آیین نامه راهنمایی و رانندگی همچنان به قوت و اعتبار خود باقی است مالکیت خریداران وسایل نقلیه تنها با تنظیم سند رسمی در دفاتر رسمی محرز می‌گردد و صدور شناسنامه مالکیت توسط مراکز تعویض پلاک از لحاظ احراز و اثبات مالکیت خریداران وسایل نقلیه فاقد وجهت قانونی و بی اعتبار است. تا برای رسمیت یافتن مالکیت خودروی خریداری شده، پس از تعویض پلاک نسبت به تنظیم سند رسمی در دفاتر اسناد رسمی اقدام نمایند. در غیر این صورت پرداخت حق الثبت و مالیات نقل و انتقال و عوارض هنگام تنظیم سند که قانون بر عهده فروشنده‌گان گذارده است به انضمام جرائم مربوط به عدم تنظیم سند، بر عهده خریدار خواهد بود.

لذا وجود محدودیت در منابع اقتصادی و نامحدودی دامنه نیازهای مالی افراد ایجاب می‌نماید که سوابق روابط مالی و اموال منقول افراد ثبت و ضبط گردد و از این حیث موجبات اطمینان خاطر افراد جامعه از بابت

مصون بودن مالکیتشان فراهم آورد از طرفی دانستن نام مالکان و صاحبان انواع حقوق از دیگر اهداف قانون‌گذار اخذ مالیات حاکم بر آن اموال به عنوان یکی از و چندوچون حقوقشان به عنوان نهادی شناخته شده که در تسهیل و تسریع معاملات اقتصادی نقش منابع درآمد برای دولت بوده است لذا با ثبت معاملات امکان فرار مالیاتی کاهش به سزایی دارد و بدیهی است تسهیل معاملات در امور اقتصادی و دادوستد و پول مؤثر است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳، ۱۳۷)، یکی دیگر از دلایل ثبت اسناد کاهش دعاوی می‌باشد. چنانچه مشکلات حقوقی عدم ثبت معاملات در خارج از دفاتر اسناد رسمی حل گردد و احتمالاً به شکل قانونی معاملات خودرو در اداره راهنمایی و رانندگی، توسط اشخاصی که اطلاعات حقوقی و ثبتی نداشته و مسلماً نمی‌توانند تمامی ضوابط فعلی حاکم بر دفاتر اسناد رسمی را که شامل است بر احراز هویت، وضعیت خدمت سربازی، اهلیت متعاملین، تأیید و کالتنامه‌های فراوان در نزد فروشندگان، شناسایی اشخاص ممنوع معامله، محجورین، بازداشت اتومبیل‌ها که توسط محاکم به دفاتر اسناد رسمی اعلام گردیده، اسناد جعلی در ید اشخاص، اوراق سرقتی از دفاتر اسناد رسمی که سرپال آن‌ها به دفاتر بخشنامه شده، شناسنامه‌های سفید سرقتی از ثبت احوال که سرپال آن‌ها به دفاتر اسناد رسمی اعلام شده، مطالبه گواهی انحصار وراثت و گواهی واریز مالیات بر ارث و بسیاری موارد دیگر... رعایت نمایند.

از این رو، اهداف حقوقی قانون ثبت را از موارد مختلف قانون و مقررات ثبتی می‌توان استخراج نمود تنظیم روابط حقوقی اشخاص اعتبار بخشیدن به انواع قراردادهای، قرارها، معاملات و تعهدات به منظور جلوگیری از اختلافات و طرح دعاوی در مراجع قضایی یا تسهیل در احقاق حق از جمله این اهداف می‌باشد نظر به اینکه هر یک از حقوق مادی و غیرمادی موضوع ثبت ممکن است روزی از حالت ثبات و استقرار درآمده و موضوع اختلاف دعوا و ترافع قرار گیرد مقررات ثبت با آثار تبانی مترتب بر آن کاملاً به کار می‌آید و در خدمت انتظام جامعه قرار می‌گیرد (شهری، ۱۳۷۳: ۴).

بنابراین دارنده سند رسمی در صورت بروز اختلافات با انواع امتیازات که قانون‌گذار برای مدرک و مستند وی قائل شده است میتواند موضوع مورد اختلاف را به نفع خود به اثبات برساند از طرفی دیگر اختلافات یا ناشی از ندانستن حقوق و تکالیف است یا ناشی از عدم آگاهی از چندوچون وقایع یا اعمال حقوقی حقوق ثبت به سبب جنبه اثباتی مذکور و به دست دادن ابزار و وسایلی برای اثبات وقایع و اعمال حقوقی حقوق ثبت به سبب جنبه اثباتی مذکور و به دست دادن ابزار و وسایلی برای اثبات وقایع و اعمال حقوقی جایی برای اختلاف در این‌گونه مسائل باقی نمی‌گذارند لذا در این خصوص دعاوی کاهش خواهد یافت و کسی به علت ندانستن و عدم اطلاع از حق و حقوق خود دعاوی واهی مطرح نخواهد کرد و با ایجاد امکان دسترسی به سوابق ضبط شده تا حد امکان از بروز معاملات معارض جلوگیری می‌کند و از جهت رسیدگی محاکم و فراغت دادرسی در رسیدگی به دعاوی راجع به املاک ثبتی است که نهایتاً قضات را در رسیدگی به پرونده مربوطه و اصدار حکم به نفع صاحب سند یاری می‌دهد.

نظر به اینکه هر یک از حقوق مادی و غیرمادی موضوع ثبت ممکن است روزی از حالت ثبات و استقرار درآمده و موضوع اختلاف دعوا و ترافع قرار گیرد مقررات ثبت با آثار تبانی مترتب بر آن کاملاً به کار می‌آید و در خدمت انتظام جامعه قرار می‌گیرد (همان).

بنابراین دارنده سند رسمی در صورت بروز اختلافات با انواع امتیازات که قانون‌گذار برای مدرک و مستند وی قائل شده است می‌تواند موضوع مورد اختلاف را به نفع خود به اثبات برساند از طرفی دیگر اختلافات یا ناشی از ندانستن حقوق و تکالیف است یا ناشی از عدم آگاهی از چندوچون وقایع یا اعمال حقوقی حقوق ثبت به سبب جنبه اثباتی مذکور و به دست دادن ابزار و وسایلی برای اثبات وقایع و اعمال حقوقی حقوق ثبت به سبب جنبه اثباتی مذکور و به دست دادن ابزار و وسایلی برای اثبات وقایع و اعمال

حقوقی جایی برای اختلاف در این‌گونه مسائل باقی نمی‌گذارند لذا در این خصوص دعای کاهش خواهد یافت و کسی به علت ندانستن و عدم اطلاع از حق و حقوق خود دعای واهی مطرح نخواهد کرد و با ایجاد امکان دسترسی به سوابق ضبط‌شده تا حد امکان از بروز معاملات معارض جلوگیری می‌کند و از جهت رسیدگی محاکم و فراغت دادرسی در رسیدگی به دعای راجع به املاک ثبتی است که نهایتاً قضات را در رسیدگی به پرونده مربوطه و اصدار حکم به نفع صاحب سند یاری می‌دهد و دارنده سند رسمی بدون هیچ‌گونه دغدغه‌خاطری دفاع خود را به اعتماد و تکیه بر آن انجام می‌دهد. از این رو، به منظور فرآیند بازنگری در اصالت خودرو و تطابق آن با اسناد و مدارک و تعیین پلاک انتظامی برای شخص خریدار، چنین مراکزی ایجاد شده‌اند. این مراکز صرفاً به منظور نظارت بر ادامه روند اصالت خودرو تأسیس گردیده‌اند و یک وظیفه اداری را انجام می‌دهند.

لذا، نکته‌ای که حائز اهمیت است نیروی انتظامی هر زمان و هرگاه که به خودرو مشکوکی برخورد نماید پدیده‌هایی‌اند با توان بالای خود اصالت آن را تشخیص دهد و هیچ‌گونه نیازی به ایجاد چنین مراکز عریض و طویل تعویض پلاک خودرو نمی‌باشد و از طرفی هم‌چنین موجب سردرگمی و هزینه‌های مضاعف برای خریداران خودرو می‌گردد. صلاحیت ذاتی دفاتر اسناد رسمی به منظور تنظیم و ثبت اسناد بر همگان مبرهن است به گونه‌ای که با این اسناد وسیله اثبات مالکیت وسایل نقلیه مشخص و تعیین می‌گردد و هیچ‌گونه نیازی به تعویض پلاک وجود ندارد. با تنظیم و ثبت اسناد و ارائه خلاصه‌ای از اسناد به ادارات راهنمایی و رانندگی، این مراکز مراتب ثبت آن را در شماره‌گذاری انجام می‌دهند. هم‌چنین همان طور که گفته شد در ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، هیئت دولت، موضوع نقل و انتقال مالکیت خودرو و تعویض پلاک خودرو را از یکدیگر تفکیک نموده و تنها بخش تعویض پلاک را در صلاحیت پلیس دانسته و بر آن تأکید نمودند. هم‌چنین با مداخله‌ی رئیس وقت سازمان ثبت از اقدامات غیرقانونی پلیس راهور جلوگیری شد و با انجام مصاحبه‌ها و مذاکراتی، این نهاد انتظامی را تشویق نمودند که توافق‌نامه‌ای با کانون سردفتران و سازمان ثبت منعقد کنند تا دفاتر اسناد رسمی به طور دوره‌ای در مراکز مزبور مستقر گردیده و پس از تعویض پلاک خودروها امر نقل و انتقال رسمی خودروها را در همان مراکز تعویض پلاک به انجام برسانند. چرا که؛ در مورد وسایل نقلیه موتوری، از آنجا که این دسته در شمار اموال منقول قرار دارند به طور معمول باید تصرف در آن‌ها اماره مالکیت باشد اما مقرراتی در این زمینه وجود دارد که پذیرش این نظر را مشکل می‌نماید.

- اولاً؛ در خصوص پلاک‌های انتظامی منصوب بر وسایل نقلیه موتوری که امکان شناسایی مالک را فراهم می‌سازد و یا این که متصرف خودرو مرتکب تخلفاتی گردیده است که از طریق مالک اتومبیل، راننده متخلف شناسایی و تحت تعقیب قرار می‌گیرد و البته هیچ دلیلی وجود ندارد که مالک پلاک، الزاماً مالک خودرو محسوب گردد و هم‌چنین مالکیت پلاک خودرو هیچ دلیل مناسبی برای احراز مالکیت خودرو نیست و این دو مقوله متفاوت‌اند که خلط آن‌ها مشکلات عدیده‌ای را ایجاد خواهد نمود.

- ثانیاً؛ تنظیم سند رسمی برای معاملات انواع وسایل نقلیه موتوری وسیله اثبات مناسبی جهت مالکیت آن می‌باشد که هم از لحاظ احراز وقوع معامله آسان بوده و مشکلات اسناد عادی را نداشته و احراز مالکیت به سادگی امکان‌پذیر است.

دفاتر اسناد رسمی در سراسر ایران گلوگاه وصول مالیات، عوارض، حق الثبت، مالیات بر ارث، اجاریات دارایی، شهرداری و سایر مطالبات دولت و اشخاص می‌باشد و چنانچه ثبت معاملات خودرو از دفاتر گرفته شود وصول آن‌ها در پرده‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت و عدم وصول حق الثبت معاملات خودرو کسری بودجه فراوانی به دولت تحمیل خواهد نمود و جبران آن ممکن نخواهد بود، زیرا وصول حق الثبت به جز از

طریق ادارات ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی با قوانین موجود امکان‌پذیر نیست و با توجه به سیاست کنونی نظام و تلاش همه‌جانبه جهت اشتغال‌زایی و رفع بحران بیکاری نباید طرح‌هایی مطرح گردد که نه تنها اشتغال‌زایی در پی نخواهد داشت بلکه زمینه بیکاری جمعی دارای کار را فراهم نماید.

از دیگر اهداف قانون‌گذار به عنوان یکی از اهداف اقتصادی اخذ مالیات به عنوان منبع درآمدی برای دولت بوده است چرا که با ثبت معاملات و انتظام و سازماندهی آن‌ها از فرار مالیاتی جلوگیری می‌شود و دولت می‌تواند از این منبع مهم درآمدی بهره‌مند شود محدودیت منابع اقتصادی دنیا و نامحدود بودن دامنه آرزو و نیازمندی‌های آدمی ایجاب می‌کند تا با ایجاد محدودیت و ثبت و ضبط سوابق برخی حقوق مالی و اموال غیرمنقول امکان مراجعه و اثبات مالکیت آن‌ها را فراهم نموده و در مقابل اشخاص ثالث به اعمال حقوقی انسان‌ها بخشیده و از این حیث موجبات اطمینان خاطر افراد جامعه را بابت مصون بودن مالکیتشان فراهم آورد از طرف حقوق ثبت با فراهم ساختن امکان بررسی و تحقیق در مورد ویژگی‌ها و خصوصیات اموال و برخی حقوق موضوع فرد و دانستن نام مالکان و صاحبان انواع حقوق حاکم بر آن اموال و چندوچون حقوقشان به عنوان نهادی شناخته شده در تسهیل و تسریع معاملات اقتصادی نقش به سزا دارد و بدیهی است تسهیل معاملات در امور اقتصادی و دادوستد پول موثر است.

۴-۳- تشریفات بودن نقل و انتقال وسایل نقلیه در دفاتر اسناد رسمی

سر دفتران و دفتریاران در صورتی می‌توانند نسبت به تنظیم و ثبت معاملاتی اقدام نمایند که مالکیت فروشنده یا انتقال‌دهنده حق را احراز نمایند در صورت تنظیم سند و ثبت آن بدون احراز مالکیت مسئولیت مدنی ناشی از ایجاد خسارت به خریدار یا انتقال‌گیرنده و نیز مسئولیت انتظامی از نظر عدم رعایت نظامات و قوانین را خواهند داشت هرچند که ماده ۲۲ ق. ت. بیان می‌دارد: «همین که ملکی مطابق قانون در دفاتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت در مورد ارث هم ملک وقتی در دفتر املاک به اسم وارث ثبت می‌شود که انحصار وراثت آن‌ها محرز و در سهم‌الارث بین آن‌ها توافق بوده و یا در صورت اختلاف حکم نهایی در آن باب صادر شده قانون‌گذار در مطلع ماده‌ی ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی با بیان عبارت «نقل و انتقال خودرو به موجب سند رسمی انجام می‌شود...» عقود و معاملات این مال منقول را همانند اموال غیرمنقول، مشمول حکم ماده‌ی ۴۸ ق. ت. دانسته که مطابق آن:

- اولاً: بدون تنظیم سند رسمی، نقل و انتقال خودرو میسر نمی‌باشد.
- ثانیاً: وفق ماده‌ی یک قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتر یاران، تنظیم این سند در صلاحیت اختصاصی دفاتر اسناد رسمی است و تنظیم، ثبت یا صدور آن توسط سایر مراجع، موافق قانون نمی‌باشد.

۴- بر اساس نظر مشورتی اداره حقوقی الف) ماده‌ی ۴۸ قانون ثبت اسناد تاکنون نسخ نگردیده و مانند گذشته اعتبار دارد بنابراین مفاد ماده ۴۸ مذکور که مقرر می‌دارد هر سندی که مطابق مواد فوق باید به ثبت برسد و به ثبت نرسیده در هیچ یک از محاکم پذیرفته نخواهد شد لازم‌الرعایه است.

ب) البته وجود مواد فوق هیچ‌گاه مانع از آن نبوده و نمی‌باشد که در دادگاه دلایل و مدارکی را که ممکن است برای اثبات انجام معامله ابراز بشود نپذیرند. مثلاً "چنانچه کسی اقرار به امری نماید که دلیل حقانیت طرف است خواستن دلیل دیگر برای ثبوت آن حق لازم نیست. بنابراین اقرار به وقوع عقد بیع از طرف بایع (فروشنده) در دادگاه تحقق بیع و حق حاکمیت مشتری بر مبیع را ثابت می‌نماید و مشتری می‌تواند الزام به تنظیم سند رسمی انتقال را از دادگاه تقاضا نماید (نظریه مشورتی شماره ۷/۳۶۷۵ - ۶۲/۸/۱۱ اداره حقوقی).

- ثالثاً: مراجع و محاکم صرفاً کسی را که منتقل الیه سند رسمی تنظیم در دفاتر اسناد رسمی است، به عنوان مالک خواهند شناخت.

به این ترتیب، نقل و انتقال خودرو نیز در شمار عقود تشریفاتی قرار گرفته و هرگونه تعویض پلاکی مستلزم اجرای تشریفات قانونی نقل و انتقال و بدواً تنظیم سند در دفاتر اسناد رسمی است و هرگونه ترتیبی مخالف این وضعیت، به لحاظ مغایرت با نظر قانون‌گذار مردوداست. به عبارت دیگر، با تفکیک مرجع انتقال مالکیت از مرجع تعویض پلاک، فرض تعویض پلاک خودرو بدون ثبت رسمی نقل و انتقال در دفترخانه، محال است؛ فرضی که از طرف واضع آیین‌نامه مورد توجه قرار نگرفته است. مواد ۹۲ الی ۹۵ و ۹۹ ق. ت.^۵ نیز تصریح و دستور به اجرای مفاد کلیه اسناد رسمی دارند.

نتیجه‌گیری

مرجع نهایی صدور اسناد وسایل نقلیه موتوری و نقل و انتقال آن بر اساس بر اساس ماده‌ی ۴ آیین‌نامه‌ی ماده‌ی ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۹۱ و بر اساس آخرین بخشنامه به شماره‌ی ۱۰۰/۶۹۰۰/۹۰۰۰ مورخ ۹۵/۱۲/۲۱ که خاتمه دهنده‌ی مناقشات موجود بین دفاتر اسناد و نیروی انتظامی، از سوی رئیس دستگاه قضا بود بر عهده‌ی دفاتر اسناد رسمی می‌باشد و بعد از طی مراحل تعویض پلاک خودرو و رجوع به ادارات راهنمایی و رانندگی و انجام تشریفات قانونی پیش از ثبت سند رجوع به دفاتر اسناد رسمی برای ثبت وسایل نقلیه موتوری الزامی است و در این مرحله شخص حتماً باید قبل از آن مجوز صدور تعویض پلاک خودرو را برای ثبت قانونی در این دفاتر را انجام داده و دفاتر مربوطه نیز ابتدا طی تشریفات قانونی مانند توجه به در دست داشتن مدارک حاصله از سوی مراجع راهنمایی و رانندگی جهت ثبت اسناد انتقال وسایل نقلیه در دفتر مخصوص و عدم صدور سند نقل و انتقال قبل از مراجعه دارنده به تعویض پلاک، همچنین توجه ویژه به ثبت سند افراد ممنوع معامله داشته باشند که تمامی این مباحث با ذکر قوانین و تحلیل مواد مرتبط با ثبت وسایل نقلیه موتوری با ذکر بخشنامه و آراء صادره مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- ماده ۹۲ قانون ثبت مقرر می‌دارد: مدلول کلیه‌ی اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم‌الاجرا است مگر در مورد تسلیم عین منقولی که شخص ثالثی متصرف و مدعی مالکیت.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- آدابی، حمیرضا. (۱۳۸۸). حقوق ثبت تخصصی. تهران: جنگل.
- آذربایجانی، علیرضا. (۱۳۶۹). شرایط و موانع اجرای مفاد اسناد رسمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- انصاری، مرتضی، (۱۳۸۲)، مکاسب، ج ۴، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- اسماعیلی، علیرضا، دعاگویان، داوود، اسدیان، ابراهیم. (۱۳۹۰). بررسی نقش اجرای طرح ملی تعویض پلاک در احراز اصالت وسایل نقلیه، مطالعات مدیریت ترافیک، دوره ۵، شماره ۱۹، زمستان ۸۹، صص ۷۳-۹۴
- امامی، حسن. (۱۳۷۱). حقوق مدنی. ج ۶، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- (۱۳۷۷). حقوق مدنی. ج ۱، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیة.
- بازگیر، ی‌الله. (۱۳۷۷). آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی. تهران: ققنوس.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۳). حقوق ثبت: ثبت املاک. تهران: گنج دانش.
- (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۷۴). ادله اثبات دعوا. تهران: نشر میزان.
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۰). آیین دادرسی مدنی. ج ۱، تهران: میزان
- (۱۳۹۳). آئین دادرسی مدنی دوره پیشرفته. ج ۲، تهران: نشر دراک.
- ستاد طرح ملی تعویض پلاک وسایل نقلیه کشور. (۱۳۸۰). تهران، مطالعات تطبیقی نحوه اعطای پلاک در سایر کشورها.
- ستاد طرح ملی تعویض پلاک وسایل نقلیه کشور. (۱۳۸۰). تهران: طرح مطالعاتی نحوه واگذاری پلاک به اشخاص.
- شهری، غلامرضا. (۱۳۷۳). حقوق ثبت اسناد و املاک. تهران: مجد.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۷۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال. تهران: میزان.
- طباطبایی یزدی، کاظم، (۱۴۲۱ق)، حاشیه مکاسب، ج ۱، قم، موسسه اسماعیلیان.
- عمید، حسن. (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). اموال و مالکیت. تهران: نشر دادگستر.
- (۱۳۸۴). اثبات و دلیل اثبات. ج ۱، تهران: میزان.
- (۱۳۹۰). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.
- (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها. ج ۲، تهران: میزان.
- محبی، محمود. (۱۳۹۵). حقوق ثبت اسناد: تشکیلات و مقررات دفاتر اسناد رسمی نحوه‌ی عملی تنظیم و ثبت سند رسمی، تهران: خرسندی.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۷۶). ادله‌ی اثبات دعوا. تهران: گنج دانش